

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سخنرانی : امیلکار کابل
فرستنده : یوسف فرهادی
۲۵ می ۲۰۲۵

آزادی ملی و فرهنگ

بخش سوم



فرهنگ در واقعیت فزیک محیط انسانی ریشه دارد و در آن تکامل می یابد. فرهنگ بیانگر سرشت ارگانیکی جامعه است که کم و بیش از عوامل بیرونی تأثیر می پذیرد. تاریخ به ما امکان می دهد که ماهیت و درجه تضاد هائی (اقتصادی، سیاسی و اجتماعی) را که تحول جامعه را مشخص می کند بشناسیم، شعور اجتماعی در هر مرحله از تحولش به سوی ترقی و پیشرفت، سنتزهای پویائی برای حل این تضادها ارائه می دهد، فرهنگ به ما اجازه می دهد که این سنتزهای پویا را بشناسیم. درست همانگونه که یک گیاه گل می دهد، در فرهنگ هم استعداد شگوفا کردن و ثمر بخشیدن به نهال های وجود دارد که تداوم تاریخ را تأمین می کند و در عین حال چشم انداز های تحول و پیشرفت جامعه را نوید می دهد. لذا می توان فهمید که چگونه سلطه امپریالستی، با نفی تکامل تاریخ خلق تحت سلطه ضرورتاً تکامل فرهنگی شان را نیز نفی می کند.

همچنین می توان درک کرد که چرا سلطه امپریالستی، نظیر هر نوع سلطه بیگانه، برای استقرار خویش به ستم فرهنگی نیاز دارد و تلاش می ورزد تا مستقیم یا غیر مستقیم، عناصر اصلی فرهنگ خلق تحت سلطه را منهدم سازد. مطالعه تاریخ جنگ های آزادیبخش ملی نشان می دهد که این جنگها عموماً پس از افزایش در رشد فرهنگ جامعه آغاز می گردند، فرهنگی که به طور گسترده ای انسجام می یابد و به عنوان وسیله ای برای نفی فرهنگ ستمگران به منظور ابراز شخصیت فرهنگی خلق تحت سلطه به تلاشی موفق یا نا موفق دست می زند.

شرایط و عوامل سیاسی و اجتماع یک خلق هر چه باشد معمولاً در فرهنگ است که ما نقطه مقاومت را مشاهده می کنیم، مقاومتی که به شکل گیری و تکامل جنبش آزادیبخش می انجامد.

ما متقدیم که اساس آزادی ملی بر شالوده حق مسلم هر خلق برای داشتن تاریخ خویش استوار است، علی رغم هر گونه فرمولی که در سطح قوانین بین المللی تدوین گردد. لذا اهداف آزادی ملی عبارت است از باز پس ستاندن حقی که توسط سلطه امپریالستی غضب گردیده است.

یعنی: آزادی روند تکامل نیروهای مولده ملی. بنابر این آزادی ملی آنگاه و فقط آنگاه تحقق می پذیرد که نیروهای مولده ملی کاملاً از هر نوع تسلط بیگانه رهائی یابند.

آزادی نیروهای مولده و در نتیجه توانائی تعیین شیوه تولید خلق آزاد شده ضرورتاً چشم انداز های نوینی را به روی تکامل فرهنگی جامعه می گشاید و تمام استعداد های جامعه را در راه دستیابی به ترقی و پیشرفت به خدمت می گیرد. خلقی که خود را از سلطه بیگانه می رهاند، تنها آن هنگام از نظر فرهنگی نیز آزاد خواهد کرد که، بدون کم یا زیاد بها دادن به اهمیت تأثیرات مثبت فرهنگ سلطه گر و سایر فرهنگ ها، به فراز جاده های فرهنگ خویش روی آورد، فرهنگی که از واقعیت زنده محیطش تغذیه شده و هرگونه تأثیر پذیری زیانبار و هر نوع انقیاد به فرهنگ بیگانه را نفی می کند.

بنابراین از آنجا که سلطه امپریالستی نیاز حیاتی به اعمال ستم فرهنگی دارد لذا آزادی ملی ضرورتاً عبارت است عمل فرهنگ.

بر اساس آنچه تا کنون گفته شد، جنبش آزادیبخش ملی را می توان به مثابه تجلی سیاسی سازمان یافته فرهنگ خلقی دانست که به مبارزه دست زده است بنابر این کسانی که رهبری جنبش را به عهده دارند باید در مورد ارزش فرهنگ در چارچوب مبارزه ایده روشنی داشته باشد، و نیز می باید صرف نظر از این که تکامل اقتصادی در چه سطح باشد، به شناخت کاملی از فرهنگ خلق شان مجهز باشند.

ادامه دارد...